



نگاه دو منتقد برجسته گاردین و نیویورک تایمز به انیمیشن ایرانی «در سایه سرو» برنده جایزه اسکار

## زندگی ارزش جنگیدن دارد



## گزارش

مترجم: وصال روحانی

«در سایه سرو» انیمیشن هوشمندانه‌ای از سینمای ایران که اخیراً اسکار برترین کار کوتاه کارتون‌ی اسامال را تصاحب کرده، فیلمی است با مضمونی به مراتب بزرگ‌تر از ظرفیت‌های انیمیشن‌سازی که بخواد تنها در ۱۹ دقیقه به طرح مفاهیمی چنین عمیق بپردازد در فیلمی که شیرین سوهانی و حسین ملایمی هنرمندان ایرانی آن را

توأم‌ان کارگردانی کرده‌اند، به کنار دریا سفر می‌کنیم تا انسان‌های دردمند و در عین حال امیدوار و ویژه‌ای را ببینیم. با پدری طرف هستیم که روزی مالک‌البرقاب دریاها و ناخادایی نمونه بوده ولی بابت اقتدارش بهای گزافی پرداخته و اینک به یک بیماری مزمن سلسله اعصاب (PTSD) مبتلا شده و ناان و کم‌توان است. ما دختر این مرد را هم مشاهده می‌کنیم که برای درمان دردهای پدرش جانفشانی می‌کند اما فقط خشم پدری را می‌بیند که چون سلامتی‌اش را فدای ابهتی از دست رفته کرده، به هر چیزی می‌تازد و ناشکری می‌کند. دختر نمی‌داند



● به قلم پیتربردشو  
سینمایی نویسن ارشد روزنامه گاردین

در هنگامه خشونت پدر و ناملایمات زمانه چگونه به آرامش برسد و پدر چنان ناامید می‌شود که به عزلت فرو می‌رود. ناخادای «قدرقدرت» گذشته چون نمی‌تواند و نمی‌خواهد به خواسته‌های دخترش بپندید، سرش را آن طرف می‌گیرد تا به‌نظر برسد که این وضعیت را نمی‌بیند. دختر باید هم پدرش را از مرگ روحی برهاند و هم اجازه ندهد که خودش در برهوت بی‌توجهی پدرش و دیگران به وی از پای درآید و قربانی یک زمانه پراز عصیان شود.

بازگشت از مرز مرگ این فایده را دارد که انسان می‌فهمد زندگی، ارزش جنگیدن دارد و این شاید پیام اول «در سایه سرو» باشد. سازندگان این فیلم با تشریح تلاقی دو طرز تفکر متفاوت و ترسیم دو موجود وابسته به یکدیگر اما دردمند و عاصی نشان می‌دهند که دنیای کنونی، درد به اندازه کافی دارد و نیازی به زایش دغدغه‌های اضافی و فاصله افتادن هرچه بیشتر بین پدر و فرزند نیست حتی اگر بیماری‌های لاعلاج توجیهی پدر برفتاری پدری باشد که نشانی از جبروت زمان جوانی اش ندارد. کارتون‌ها سال‌ها با نگاهی سطحی نگرینسته می‌شدند و کسی از آنها تعهد و عمق در پیام‌رسانی را نمی‌خواست و همه چیز صرف سرگرمی و خلق شوخی و بازی‌های کودکان بود اما ملایمی و سوهانی با ساختن «در سایه سرو» گوشزد کرده‌اند که زندگی مفوله‌ای عمیق با انواع پیام‌هاست. حتی اگر پیام نهایی صرفاً این باشد که یک روز زندگی اضافی هم در صورت نزدیک‌تر شدن انسان‌ها و خانواده‌ها به یکدیگر، ارزش کوشیدن برای زنده ماندن و سپری کردن ساعاتی فروز تر را دارد.

چرا «فصل اول» عنوان «فصل اول» به دو دلیل برای این نمایشگاه انتخاب شد؛ اول، فصل به مفهومی مرتبط با طبیعت اشاره دارد که موضوع اصلی آثار این مجموعه است. همه نقاشی‌ها و طراحی‌های این نمایشگاه متأثر از طبیعت و مناظر هستند و این مام به نوعی فضای کلی آثار را منعکس می‌کند. دوم، «فصل اول» نمادی از نقطه آغازین نمایشگاه‌های انفرادی من است. این نمایشگاه اولین تجربه شخصی‌ام در ارائه مستقل آثارم بود و انتخاب این نام بیانگر شروع یک فصل تازه در مسیر حرفه‌ای‌ام به عنوان یک نقاش است.

چرا «فصل اول» عنوان «فصل اول» به دو دلیل برای این نمایشگاه انتخاب شد؛ اول، فصل به مفهومی مرتبط با طبیعت اشاره دارد که موضوع اصلی آثار این مجموعه است. همه نقاشی‌ها و طراحی‌های این نمایشگاه متأثر از طبیعت و مناظر هستند و این مام به نوعی فضای کلی آثار را منعکس می‌کند. دوم، «فصل اول» نمادی از نقطه آغازین نمایشگاه‌های انفرادی من است. این نمایشگاه اولین تجربه شخصی‌ام در ارائه مستقل آثارم بود و انتخاب این نام بیانگر شروع یک فصل تازه در مسیر حرفه‌ای‌ام به عنوان یک نقاش است.

فتح بابی تازه در عرصه انیمیشن‌ها درخت‌های سرو می‌تواند در سخت‌ترین محل‌ها نیز ریشه بدوانند و رشد کنند و همواره مظاهر قدرت شناخته شده‌اند. در ایران به آنان به چشم سمبل خلوص هم نگاه می‌شود و شاید به همین خاطر است که حسین ملایمی و شیرین سوهانی هنرمندان ایرانی در انیمیشن معناگرایی اخیرشان به سراغ این سوزنه رفته و تلاقی انسان‌ها را با سختی‌های زمانه و بیماری‌های شدید جسمانی و روحی مواردی دانسته‌اند که شاید فقط سایه بلند سرو بتواند بر آنها فایق آید یا از شدت ضربه‌های شان بکاهد. در فیلم فکوران و اسکار «در سایه سرو» دختری را می‌بینیم که در عین تعهد اخلاقی و وابستگی خانوادگی به عرصه چنان از تبعات ابتلای پدرش به یک بیماری مزمن و شدید سلسله اعصاب به تنگ آمده که تصمیم به جدایی از او و رفتن به سمت یک زندگی مستقل را گرفته اما پندهای وابستگی خانوادگی مانع از شکل‌گیری این مهم می‌شود. برای این پدر که مدت‌ها سلطان مقتدر دردهای بیکران بوده و کشتی‌های بزرگ را ناخدایی می‌کرده، تحمل درماندگی کنونی‌اش غیرممکن است و برای دختر او هم تحمل اینکه

شده در این نمایشگاه، طراحی جایگاهی مستقل پیدا کند و نه صرفاً به عنوان یک مرحله مقدماتی برای نقاشی در نظر گرفته شود.

هدف شما از انتخاب موضوع طبیعت در این نمایشگاه چه بوده و آیا این مسیر را ادامه خواهید داد یا ممکن است در آینده به سراغ ژانرهای دیگری مانند فیکور یا موضوعات متفاوت بروید؟ احساس می‌کنم به دلیل علاقه شخصی و بستر فکری‌ای که سال‌هاست در آن کار می‌کنم، طبیعت همچنان محور اصلی آثارم خواهد بود، اما این به آن معنا نیست که مسیر کارم ثابت و بدون تغییر باقی بماند. اتفاقاً فرصت تجربه‌گرایی، اضافه کردن فیکور و آزمون و خطا در همین ژانر طبیعت، از اهداف من در ادامه این مسیر است. در واقع هدفم از برگزایی این نمایشگاه این بود که مطالعه‌ای عمیق‌تر بر طبیعت داشته باشم و ظرفیت‌های بیانی آن را از طریق رنگ، فرم و ترکیب‌بندی مورد بررسی قرار دهم. طبیعت برای من صرفاً یک موضوع صبری نیست، بلکه بستری برای کشف مفاهیم مختلف و تجربه کنیکی محسوب می‌شود. بنابراین احتمال دارم در آینده فرم‌های انسانی یا سایر عناصر به آثارم اضافه شوند، اما همچنان در ژانر طبیعت با نگاه تجربی و مطالعه‌محور پیش‌قدم می‌مانم.

آیا در روند مطالعات و تجربه‌های خود به نقاشی ایرانی نیز پرداخته‌اید و پیشینه طبیعت در نقاشی ایرانی، تأثیری بر نگاه شما داشته است؟ در ابتدا مطالعه‌اتم را به صورت آکادمیک بر آثار نقاشی غربی متمرکز کردم، اما ادامه به نقاشی ایرانی نیز توجه ویژه‌ای داشتم، به خصوص مکتب نگارگری ترکمانان تبریز. این مکتب به خاطر استفاده از رنگ‌های روشن و درخشان، اندام‌های فریه و بزرگ و بی‌توجهی به رابطه فضا و اشخاص شناخته می‌شود. در نگاره‌های این مکتب، زمینه طبیعت، کوه، صخره، گیاهان و ابرها به شکل امواج متلاطمی از رنگ‌های خالص و درخشان به تصویر کشیده شده‌اند که درهم رفته‌اند. این ویژگی‌ها برای من جذابیت داشت و در آثارم تأثیرگذار بود.

باتوجه به شرایط کنونی جوامع بشری از جمله بحران‌های اجتماعی، سیاسی و جنگ، آیا پرداختن به ژانر طبیعت می‌تواند همچنان جایگاهی ارزشمند داشته باشد و آیا این رویکرد ممکن است به عنوان بی‌تفاوتی هنرمندان نسبت به مسائل اجتماعی تلقی شود یا اینکه می‌توان از این بستر برای بیان دیدگاه‌های اجتماعی بهره‌برد؟ معتقدم ژانر طبیعت نیز می‌تواند بستری برای بیان نگرانی‌ها و دغدغه‌های اجتماعی باشد.

## اخبار فرهنگ



تاکید وزیر فرهنگ بر توجه به فرهنگ عمومی

یکصد و سی و هشتمین جلسه شورای فرهنگ عمومی استان تهران با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. صالحی با اشاره به جایگاه فرهنگ عمومی در حوزه فرهنگ اظهار کرد: «فرهنگ عمومی در کنار انواع طبقه‌بندی‌ها در حوزه فرهنگ، فرهنگ پایه محسوب می‌شود؛ یعنی اگر فرهنگ عمومی حرکتی رو به جلو داشته باشد، در مورد پیشرفت سایر فرهنگ‌ها (اعم از فرهنگ تخصصی و...) هم می‌توان امیدوار بود ولی اگر نباشیم، طبیعتاً نمی‌شود به تحول در فرهنگ‌های تخصصی و حرفه‌ای امید داشت. مسأله دیگر جایگاه شورای فرهنگ عمومی است. این شورا می‌توانست در ساختار نظام فرهنگی کشور جایگاه مهمی داشته باشد، اما اینکه داشته یا خیر، قابل نقد است. تلاشی که در این دوره وجود دارد این است که با توجه به جایگاه فرهنگ و فرهنگ عمومی، از ظرفیت شورای فرهنگ عمومی استفاده حداکثری کنیم که مسئولیت آن برعهده آقای دکتر آشنا (دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور) است و ایشان سابقه طولانی در مدیریت فرهنگ داشته‌اند. حجت‌الاسلام سید محمد حسن ابوترابی فرد رئیس شورای فرهنگ عمومی استان تهران، محمدصادق معتمدیان استاندار تهران و قادر آشنا دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور در این جلسه حضور داشتند. / ایرنا

رسیتال پیانو فریدون ناصحی در تالار رودکی

رسیتال پیانو فریدون ناصحی ۲۳ و ۲۴ اسفندماه در تالار رودکی برگزار می‌شود. ناصحی در این کنسرت گلچینی از آثار شوپرت، مندلسون، شوبین، خاجاتوریان، فیلیپ گلن، فرانسیس لیست، ژان سیلیوس، سرگئی راخمانینف و آستور پیاترولا را اجرا می‌کند. / ایران

تولید یک فیلم کوتاه با استفاده از هوش مصنوعی

فیلم کوتاه «مدال برنز» به کارگردانی مهدی بهزادپور و تهیه‌کنندگی حسین اسکندری با تکنولوژی هوش مصنوعی تولید شد. بخشی از این فیلم با هوش مصنوعی و جدیدترین نوع جلوه‌های ویژه ساخته شده است. حسین بهزادپور، مونا شادری و حسین زاری بازیگران «مدال برنز» هستند. / مهر

سوسن پرور به «مهمانی شام» می‌رود

نمایش «مهمانی شام» به نویسندگی نیل سایمون و تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسام انوری از ۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۹:۴۵ در سالن شماره ۲ پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. سوسن پرور و امیر غفاری بازیگران این نمایش هستند. فروش بلیت نمایش «مهمانی شام» از ساعت ۱۲ ظهر روز پنجشنبه ۲۳ اسفندماه آغاز می‌شود. / ایرنا

نمایش «مهمانی شام» به نویسندگی نیل سایمون و تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسام انوری از ۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۹:۴۵ در سالن شماره ۲ پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. سوسن پرور و امیر غفاری بازیگران این نمایش هستند. فروش بلیت نمایش «مهمانی شام» از ساعت ۱۲ ظهر روز پنجشنبه ۲۳ اسفندماه آغاز می‌شود. / ایرنا

نمایش «مهمانی شام» به نویسندگی نیل سایمون و تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسام انوری از ۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۹:۴۵ در سالن شماره ۲ پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. سوسن پرور و امیر غفاری بازیگران این نمایش هستند. فروش بلیت نمایش «مهمانی شام» از ساعت ۱۲ ظهر روز پنجشنبه ۲۳ اسفندماه آغاز می‌شود. / ایرنا



● به قلم «مانولا داریگس»  
سینمایی نویسن مشهور زن نیویورک تایمز



چالش‌ها و موانعی برای یک طراح یا نقاش در مسیر نمایش آگارش در گالری‌ها وجود دارد و چرا هنرمندان همواره با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است ایده‌ها و آثارشان را تحت تأثیر قرار دهد؟ فکر می‌کنم هر اقدامی که به شناخته‌تر شدن هنرهای تجسمی کمک کند و باعث شود این مدیوم در جامعه بیشتر دیده شود، ارزشمند است. متأسفانه هنرهای تجسمی در اینجا اغلب در حاشیه ماندند و مسیر نمایش و عرضه آثار هنری همیشه با چالش‌های متعددی همراه بوده است. چالش‌هایی مانند نفوذ رویکردهای تجاری در گالری‌ها، سیاست‌های گزینشی و فشارهایی که به هنرمند برای تغییر یا تطبیق آثارش با خواسته‌های بازار وارد می‌شود، همگی مسائلی هستند که می‌توانند مسیر خلاقیت را محدود کنند. این موانع نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از نقاط جهان وجود دارند. اما در جوامعی که بازار هنر به‌طور مستقل و حرفه‌ای شکل گرفته است، این مشکلات بیشتر احساس می‌شود. با این حال معتقدم هر نوع فعالیتی که باعث شود هنر تجسمی در دایره محدود هنرمندان فراتر برود و میان مردم جایگاه بیشتری پیدا کند، در نهایت به نفع جریان هنری خواهد بود. رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند نقشی مشابه گالری‌ها ایفا کنند، به این معنا که هنرها به مخاطبان گسترده‌تر معرفی کرده و به درک عمومی از این حوزه کمک کنند. در نهایت هر چند هنرمند نباید خود را درگیر حواشی و مناقشات کند، اما بسیاری از هنرمندان به صورت ناخواسته درگیر چنین مسائلی می‌شوند که این امر چندان خوشایند نیست. هدف اصلی باید رشد و گسترش هنر باشد و این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که جامعه پذیرای هنرهای تجسمی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ خود باشد.

چالش‌ها و موانعی برای یک طراح یا نقاش در مسیر نمایش آگارش در گالری‌ها وجود دارد و چرا هنرمندان همواره با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است ایده‌ها و آثارشان را تحت تأثیر قرار دهد؟ فکر می‌کنم هر اقدامی که به شناخته‌تر شدن هنرهای تجسمی کمک کند و باعث شود این مدیوم در جامعه بیشتر دیده شود، ارزشمند است. متأسفانه هنرهای تجسمی در اینجا اغلب در حاشیه ماندند و مسیر نمایش و عرضه آثار هنری همیشه با چالش‌های متعددی همراه بوده است. چالش‌هایی مانند نفوذ رویکردهای تجاری در گالری‌ها، سیاست‌های گزینشی و فشارهایی که به هنرمند برای تغییر یا تطبیق آثارش با خواسته‌های بازار وارد می‌شود، همگی مسائلی هستند که می‌توانند مسیر خلاقیت را محدود کنند. این موانع نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از نقاط جهان وجود دارند. اما در جوامعی که بازار هنر به‌طور مستقل و حرفه‌ای شکل گرفته است، این مشکلات بیشتر احساس می‌شود. با این حال معتقدم هر نوع فعالیتی که باعث شود هنر تجسمی در دایره محدود هنرمندان فراتر برود و میان مردم جایگاه بیشتری پیدا کند، در نهایت به نفع جریان هنری خواهد بود. رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند نقشی مشابه گالری‌ها ایفا کنند، به این معنا که هنرها به مخاطبان گسترده‌تر معرفی کرده و به درک عمومی از این حوزه کمک کنند. در نهایت هر چند هنرمند نباید خود را درگیر حواشی و مناقشات کند، اما بسیاری از هنرمندان به صورت ناخواسته درگیر چنین مسائلی می‌شوند که این امر چندان خوشایند نیست. هدف اصلی باید رشد و گسترش هنر باشد و این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که جامعه پذیرای هنرهای تجسمی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ خود باشد.

چالش‌ها و موانعی برای یک طراح یا نقاش در مسیر نمایش آگارش در گالری‌ها وجود دارد و چرا هنرمندان همواره با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است ایده‌ها و آثارشان را تحت تأثیر قرار دهد؟ فکر می‌کنم هر اقدامی که به شناخته‌تر شدن هنرهای تجسمی کمک کند و باعث شود این مدیوم در جامعه بیشتر دیده شود، ارزشمند است. متأسفانه هنرهای تجسمی در اینجا اغلب در حاشیه ماندند و مسیر نمایش و عرضه آثار هنری همیشه با چالش‌های متعددی همراه بوده است. چالش‌هایی مانند نفوذ رویکردهای تجاری در گالری‌ها، سیاست‌های گزینشی و فشارهایی که به هنرمند برای تغییر یا تطبیق آثارش با خواسته‌های بازار وارد می‌شود، همگی مسائلی هستند که می‌توانند مسیر خلاقیت را محدود کنند. این موانع نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از نقاط جهان وجود دارند. اما در جوامعی که بازار هنر به‌طور مستقل و حرفه‌ای شکل گرفته است، این مشکلات بیشتر احساس می‌شود. با این حال معتقدم هر نوع فعالیتی که باعث شود هنر تجسمی در دایره محدود هنرمندان فراتر برود و میان مردم جایگاه بیشتری پیدا کند، در نهایت به نفع جریان هنری خواهد بود. رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند نقشی مشابه گالری‌ها ایفا کنند، به این معنا که هنرها به مخاطبان گسترده‌تر معرفی کرده و به درک عمومی از این حوزه کمک کنند. در نهایت هر چند هنرمند نباید خود را درگیر حواشی و مناقشات کند، اما بسیاری از هنرمندان به صورت ناخواسته درگیر چنین مسائلی می‌شوند که این امر چندان خوشایند نیست. هدف اصلی باید رشد و گسترش هنر باشد و این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که جامعه پذیرای هنرهای تجسمی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ خود باشد.

